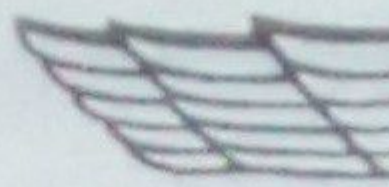


ی کابل

شماره (۷۰)

شماره مسلسل (۳۹۲)



سرطان ۱۳۸۸ هجری شمسی مطابق ۲۷ رجب المرجب ۱۴۳۰ هـ ق | ۲۰ جولای ۲۰۰۹

شاروال کابل :

Ketabton.com

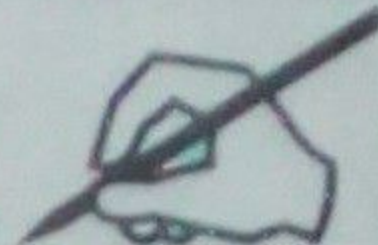
لوحه های جاده های که نامگذاری گردیده است

در آینده نزدیک تهیه و نصب میگردد

جلسه نوبتی کمیسیون نامگذاری جاده های شهر و اماکن مقدسه

برپاست وزیر اطلاعات و فرهنگ به شرکت اعضای آن

سر مقاله



نامگذاری جاده ها از هر حیث

در خور اهمیت است

نام گذاری جاده ها ، اماکن مقدسه ، پروژه های رهایی و کوچه ها از هر حیث در خور اهمیت است ، روی این اصل کمیونی در زمینه توظیف گزیده تا در این راستا خدمتی به شهریان انجام دهد.

این کمیون که روز شنبه جلسه نویی اش را تشکیل داد پیرامون نامگذاری جاده و پروژه ها بنام های شخصیت های سیاسی ، فرهنگی و علمی کشور بحث کردند.

در گذشته ها درین زمینه بسیار بایی تفاوتی عمل شد و تعدادی از جاده ها بجای اینکه به نام شخصیت های افغانی نامگذاری شود بنام های قهرمانان کشور های دیگر جهان نامگذاری گردیده بود، در حالیکه افغانستان بی شمار شخصیت های سیاسی، علمی و فرهنگی دارد.

نام گذاری جاده ها و پروژه ها سهولت های فروانی را در پی دارد، برای در یافت پروژه و منازل مردم سر گردان و هر اسان نمیشاند اگر شخصی از کشور دیگری هم وارد شود بداشتن آدرس دقیق در کمترین وقت بدون تکلیف میتواند آدرس را در باید در غیر آن شاید بدون به اصطلاح راه بلد این کار دشوار باشد.

تقاضا بر این است تا مطابق فیصله قبلی این کمیون از نامگذاری جاده ها و پروژه بنام های خارجی خوداری صورت گیرد البته باین کار از یکطرف در آینده اولاد وطن شخصیت ها را فراموش نکرده و نام شان در سینه ها جاودان می باشد و از تاریخ خود آگاهی داشته میباشند از جانی سهولت در یافت آدرس ها را باعث میشود که به توجه کمیون نامگذاری جاده ها و اماکن مقدسه نیاز است تا با دلسوزی تام در اینمورد اجراءات نمایند.

دشاری فرهنگ په بیا راژوندي کولوکې د رسنو ونډه

ناصري

په کوم ښار کې چې ښاري فرهنگ کمزوري او يا خو هيڅ نه وي هلته کې ، ګڼوډي ، خپل سړي ، بي نظمي ، ناولتيا ، ککړتيا ، دښاري قانون تر پښولاندي کول او داسې ورته نوري ستوري خپلي وروستي کچې ته رسيدلي وي، چې په پايله کې دولت او اړوندي اداري نه ستونزو او خپلويو سره مخ وي.

کابل ښار چې دهيواد پلازمېنه ده نن له هغو ښارونو څخه شمېرل کېږي کوم چې د ښاري فرهنگ تفر ترينه ټول شوي که دغه ښارته خير شو ، نو و به ګورو چې هرې خوا ته ، بي نظمي ، ګڼوډي ، خپل سړي ، ککړتيا او قانون ته نه درناوي له ورايه ښکاري . دښار ډير شمير سيمي ، وټونه پلي لاري او داسي نور، د ګرځنده پټوړونکو په ونکه کې پړيو لي او دښار څيره يي هسې لانوره هم بدرنګه کړي . کومي ستوري چې دښار په کچه را منځته شوي بسوازيي لامل يي دخلکو دښاري فرهنگ کمزورتيا ده. نن ورځ په دي وړوکي ښار کې د پنځو ميليونو په شاو خواکي و ګړي ژوند کوي ، که چيري دهر وګړي له خوا يوه وړوکي ستونزه دښار په وړاندي را برسره شي نو و به ګورو چې په ورځ کې لږ تر لږه پنځه ميلونه لوي او وړوکي ستوري سرراپورته کوي .

باني ۷ مخ

چرا پارک ها در گرو معتادین در آمده است ؟

معتادین باید مورد بازپرسی قرار گرفته مجازات شوند

سگرت ، پلاستیک باب و مواد اضافی خوراکی و میوه جات راجمع آوری مینمودند از هر سو دود مواد نشه آور بر خاسته ویوی چرس به مشام خبرنگاران که جهت انعکاس کار حشر مصروف بودند میرسید و هر یک در قبال این موضوع باتسم می گذشتن هیچ کس خود را مسوول نمیدانست این در حالیست که شاروالی کابل جهت فراهم آوری تسهیلات تفریحی به همشریان هزار ها نهال را غرس نمود تا باشد شهریان عزیز با آسوده حالی از ین تفریحگاه و پارک ها استفاده درست نموده باشد که در تصفیه هوا هم رول بسزایی دارد ، اما حال که دیده میشود از یکطرف فضای پارک ها و تفریحگاه با استعمال مواد مخدر برهم زده میشود و از سویی باعث ارار و اذیت مردم میشود .

پرسیده میشود که چی کسانی مسوولیت جمع آوری و تداوی معتادین را بدوش دارد ؟ باید پارک ها و تفریحگاه را از گرو شه پان و متلایان مواد مخدر هابیده و مسوولیت خویش را در مقابل مردم ادا نماییم

مضر تمام شده واز جانی برای کسانیکه تازه به این شهر وارد شده اند وهمچنان برای سیلابیان و خارجی ها تعجب آور خواهد بود که چگونه در مرکز شهر و پایتخت معتادین به شکل آزادانه دست به اعتیاد میزند و حالبتر از همه مسوولین و انانیکه مسوولیت دستگیری معتادین را دارند گاهی در قطار معتادین دیده میشوند که این خود لکه ننگ وعمل ناخشودنی است .

در حشر عمومی روز پنجشنبه در حالیکه مسوولین بلند پایه دولتی مصروف پاک کاری پارک زرنگار بودند و بدستان خود قطعی های

درین شکی نیست که با گذشت هر روز تعداد معتادین در سطح کشور با وجود مبارزه شدید علیه مواد مخدر بیشتر میشود و شهر کابل بخصوص تفریحگاه و پارک در گرو آنها در آمده است و طور آزادانه به اعمال بد اعتیاد مبادرت ورزیده و فضای پارک ها وتفریحگاه را از هر حیث الوده می سازند ، از یکسو دود چرس و پودر برای صحت آنهایکه از ین پارک منظور رفع خستگی استفاده مینمایند



فال بینی خطر ناک شده است

اطفال تان را از شر فالین ها و چوری فروشها در امان داشته باشید!

به بهانه چوری فروشی و فال بینی داخل منازل شده و بااستفاده از فرصت اطفال را اختطاف مینمودند که با الفعل دستگیر شده اند.

بنأ لازم است تا همشریان ما مواظب اطفال شان بوده باشند تا در دام ابگونه چوری فروش ها و فال بین ها نه افتیده

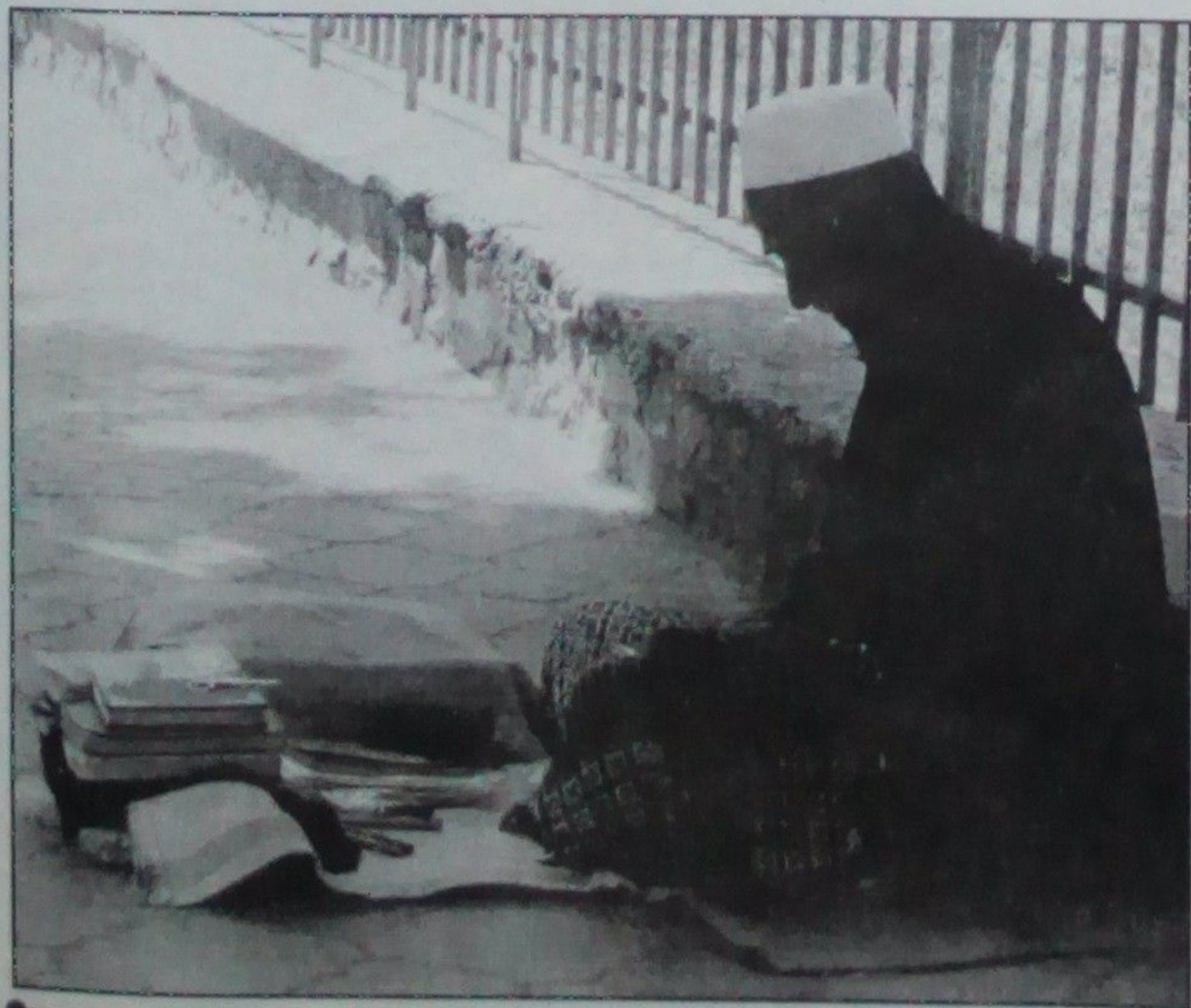
الطاف

باشد

توانستند باند های آدم ربایی را دستگیر نمایند، مگر در این اواخر بار دیگر چنین مواردی از طریق اخبار شنبه میشود چنانچه دوطفل حور د سال را در مربوطات ناحیه شانزدهم اختطاف میمودند و دو خانم با الفعل توسط پولیس به این اتهام دستگیر و به پنجه قانون سپرده شدند.

گفته میشود که این دو خانم اختطاف گر یافت ، همچنان سال گذشته چند مواردی دیگری دیده شد که اطفال را از ناحیه ګلوریده به قتل رسانیده بودند چنانچه خانمی به همین اتهام در مربوطات ناحیه هشتم دستگیر شد.

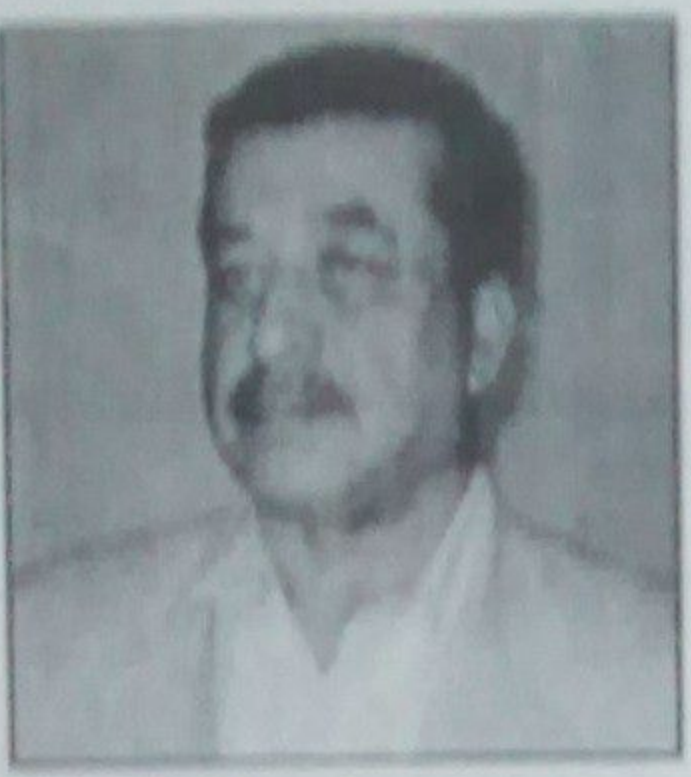
آدم ربایان و اختطاف چیان در آغاز سال جاری و در ماه های اخیر سال گذشته در جدی فعالیت شان زیاد شده بود که هریک از شهریان ما بخصوص سر مایه داران و متمولین احساس نا امنی میکردند و تعدادی حتی حاضر نبودند که اطفال شان به مکاتب برود ، اما در ماه های اخیر سطح آدم ربایی کاهش یافته ار گانهای امنیتی ما



صدای همشهری

مال کدام ها عنقریب از داخل شهر انتقال می گردد

رامند صابر



متخلف طبق لایحه جرایم که از مقررات شاروالی کابل سرباز می زنند، جلو گیری از فروش گوشت در کراچی های سیار بروی جاده های عمومی، کنترل از موجودیت جواز و اجازه فعالیت دکان های اصناف و غیره امورات مربوطه.

۲- مدیریت اصناف:

توزیع اجازه فعالیت برای اصناف شهر، بررسی و کنترل از هتل ها، دست فروشی بخاطر رعایت مقررات و اخذ اجازه فعالیت احصایه گیری دقیق اصناف شهر.

۳- مدیریت تجارت شهری:

کنترل از کیفیت مواد خوراکی و استهلاکی در بخش های عمده فروشی و ذخیره گاه های تجاری، کنترل سندرد بودن وزن بوری های آرد و سرنج که از کشور های خارجی وارد میگردد، تنظیم مارکیت ها و ایجاد مارکیت های بازار بخاطر تنظیم دست فروشان، احصایه گیری دقیق از عموم مارکیت های شهر کابل. ادامه صفحه ۷

ریاست تنظیم مارکیتها وظیفه عرضه بهتر خدمات شهری را به شهریان دارد، اینکه در کدام زمینه ها مصروف فعالیت است خبرنگار پامیر در مورد گفت و شنودی را با محترم خیرمحمد صفدری رئیس تنظیم مارکیتها انجام داده که تقدیم می شود:

س- ریاست تنظیم مارکیت ها در کدام بخشها فعالیت می نماید اگر هر کدام آراطور واضح و جدا گانه بیان دارید؟

ج- ریاست تنظیم مارکیت ها در بخش های ذیل فعالیت دارد که وظیفه هایشان چنین می باشد.

۱- کنترل از کیفیت مواد خوراکی و استهلاکی:

جلو گیری از بدش پیاده رو ها و حاده ها که توسط کراچی ها

نیست روز بود، با استفاده از بس شهری ملی بس روانه خانه بودم، در بس چند تا آدمهای که ابزار کار در دست داشتند و فهمیده میشد که گلکار و یا مرد کار باشند، نیز سوار موتر بودند و در یک ردیف جوکی نشسته بودند، یکی از آنها گفت: خدا روزی رسان اس، اگر کار غربی پیدا نشد، اما صاحب یک

ی هم به اصطلاح در شاخ آمو، اما طرف دیگر آنهایی که به یک شکم نان دست میابند، از خوشی و سرور دست از پانمی شناسند و در لباس هم نمی گجند.

من که در ایستگاه مورد نظر رسیده بودم، توانستم سخنان آن مرد چیز فهم و روزگار دیده را تا پایان بشنوم. و از سرویس پایین شدم.



شکم نان شدیم، حالی جایشه

پیدا کردیم، اگر کار پیدا کردیم خوش از بس چه بهتر! اگر نشد، شکم گرسنه خوش نمی آیم، تا وقتی که ای کمپاین ها ادامه داشته باشد، چاره شکم ما میشه!

دیگرش گفت: چند روز در یک کمپاین دگه رفتیم، اونجه هم ناش خوب بود، غریب و غریبه بیکار و شکم گرسنه همه میامدن و نان میخوردن و میرفتن!

سومی گفت: از شما چه پنهان که شانس برابر آمد، پلاستیک ده جیم بود، چند خوراک نان ره در امی پلاستیک انداختیم، بعد از چند هفته امشو اولاد هایم گوشت وبلو میخورن! اوپا اشاره انگشت خریظه پلاستیک را که در دهلیز موتر پهلوی جوکی قایم کرده بود به همراهش نشان میداد،

موتر ما هی میدان و طی میدان و آهسته آهسته از میان راه بندان ها راه باز میکرد و به صوب مقصد در حرکت بودیم، دقایق طولانی را که من در موتر بودم و صحبت های آنها را می شنیدم، همه قصه نان بود، قصه پر کردن شکم!

مرد چیز فهمی که صحبت های آن ها را می شنید، گفت: چنین است تفاوت های اقتصادی در کشور ما، یکی به خاطر کمپاین تبلیغاتی خود میلیونها افغانی را مصرف می کند و مردم را نان میدهد، و پیروز

باز دریای کابل جاروب کشی شد!

.. و سازهم انوهی از کارگران تحشد و زیبایی شهر را دو چندان تطبیف شاروالی به دریای شهر سرازیر شدند تا کثافات، اشغالی ها و باطله های را که در ستر دریا پرت شده اند جاروب بکشند و دریا را از آلوده گی ها رهایی بخشد.

این بار نخست نیست که دریای کابل جاروب کشیده میشه و دامن آن را از آلوده گی ها پاک میسازند. بل هر از گاهی که دریای شهر زیر آلوده گی ها رنگ میبازد و پرسش هایی به میان میاید، توسط عمده تطبیف پاک کاری می شود.

با اینحال این پرسش به میان میاید که چرا حتی دریای شهر قربانی بی تفاوتی ها، خودسری ها و بی پروایی های ما میشود؟

چرا هر بار کثافات و مواد اضافی را در بستر دریا می ریزیم؟ چرا از دریای کابل منحبث زباله دانی استفاده می کنیم؟ یکی از شهریان که روی دیوار دریا ایستاده و کار های تطبیفی دریا را نگاه می کرد، در برابر پرسش خبرنگار پامیر گفت: دریای کابل که از قلب شهر می گذرد، شهر را جلوه دیگری می

دانی نام گرفته است، چرا اینقدر بی تفاوتی و بی مسؤولیتی؟ شما ببیند گوشه های دریا را تکه های اضافی خیاطان، بوتل های نوشابه، پلاستیک و ترکاری های پوسیده پر کرده است، در حالی که در نزدیکیترین محل زباله دانی های سیار و ثابت از سوی شاروالی نصب شده است.

این عمده تطبیف چه گاهی را مرتکب شده اند که همه روزه بارسنگین بی تفاوتی ها و بی پروایی های شهریان را بر دوش بکشند؟

اگر همین کثافات و مواد اضافی و زباله ها را در دریا نیندازیم، چه نیاز است که عمده تطبیف دست و آستین بر بزنند و با هزار دشواری کثافات را جمع اوری و به خارج شهر انتقال دهند؟



گذری در شهر

نمیدانم در کدام فکر واندیشه فرو رفته بودم، اما اینقدر میدانم که با گامهای تند به سوی دفتر روان بودم، صدای افتیدن چیزی رشته خیالم را برید، به عقب نگاه کردم، مردی روی زمین خسیده بود، و چند تا جوان میخواست او را بلند کنند، مرد می نالید و نمیدانست کجایش درد می کند، انسو تر تنگ کيله فروش ایستاده بود، کيله فروش نیز مات و مبهوت و رنگ پریده، هوا و هوش پرت شده و خجالت زده معلوم می شد حالت سراسیمه او، نشان میداد که دست او در قضیه افتیدن مرد دخیل باشد، مرد مغلوب! که به کمک دو تاجوان روی پاشده بود، در حالی که با چشمان از حدقه برآمده به سوی کيله فروش نگاه میکرد گفت: امی کار از کدن اس، آیا انداختن پوست کيله در راه عام کار درست اس، کيله فروش که از خجالت چشماش از زمین کنده نمیشد، سکوت کرده بود، مرد متضرر که درک کرده بود، بلا بود و برکتش نی ایا چند نصیحت کيله فروش را متوجه مسؤولیت و مکلفیت اش در قبال رعایت آداب و نظافت شهری کرده و آهسته آهسته پی کارش رفت.

معلوم نیست که روزانه چه تعداد از شهریان ما در تماس با پوست کيله نقش زمین می گردند و آسیب می بینند. هرگاه نگاه دقیق و حساسی بر فعالیت پیشه وران در شهر داشته باشیم، بسیاری از آنها هیچگاهی خود را مکلف در نظافت شهر ندانسته بلکه باعث آلوده گی و کثیف شدن ساحه کار و فعالیت شان نیز میگردند، هرگاه نگاه ثان را به آبرو مقابل دوکان پیشه وری روا بدارید، در میایید که جویچه اباشته از مواد اضافی و اشغالی هایی است که از جویبار لطف! پیشه وران آب میخورد.

با اینحال اگر کيله فروش پوست کيله را روی سرک بیندارد و دوکاندار و کراچی بان و تنگی مواد اضافی را در جویچه ها بریزند و هر کدام ما در نحوی در ناپاکی شهر دست داشته باشیم، آیا میتوان این شهر را پاک نگهداشت؟ چه کسی باید پاسخ دهد؟ اگر مسوول شاروالی را بدانیم، پس مکلفیت های ما چه است؟

حارث

سیل هم سیل است، سرگردانی هم!

طرح داستانی:

شهروند

در محلی که سرکها پراز موترها بود، بس پراز معلمان داخل شد، همه و خنده معلمان هنوز بلند بود... صدای پرطنین دلنشینی از کمی دور از محل کمپاین شنیده میشد، رفت و آمد موترها و آدمها هنوز هم ادامه داشت. باپایین شدن معلمان بس خالی، همه به پارک سرسبزی داخل شدند، تعمیر مجللی از دور با بیرقها زینت یافته بود، محافظان مسلح و اشخاص موطف با هوشیاری رفت و آمد ها را زیر نظر داشتند.

داخل صحن کمپاین، سبزه بلند و مجللی بر پاشده بود، اشخاص دریشی دار و شیک پوش به سرعت در صحن حویلی در رفت و آمد بودند. بیانه کاندیداتور ادامه داشت ...

مردم حق شناس افغانستان، آدم خوب و بد را خوب می شناسند، من برای شما وعده نمی دهم اما تصمیم دارم کشور را ازین حالت بی امنی و بحران و فساد اداری نجات بدهم، ما روز های طلایی را پیش رو داریم، روز انتخابات برای ما روز تاریخ ساز و سرنوشت ساز است برداشتن یک گام شما مرا به مقام ریاست جمهوری نزدیکتر میازد...

همه کف زدند! من گرسنه ها را سیر، بیکاران را به کار ها مقرر، و کشور را به تمدن بزرگ میرسانم، خوش باشید! همه کف زدند! دختری باریک اندام با لباس پسته پی و چادر فرو افتاده به مکرو فون نزدیک شد، با صدای باریک از مهمانان خواست که به داخل سالون بروند و غذا صرف کنند. همه شتابان به سوی سالون رفتند، غذا خوردن در حال تمام شدن بود.

محبوبه باحالی ابهام آمیز به هر سوسرک کشید، خواهر خوانده هایش هم پس پس کنان پایین و بالا میرفتند، همه از صرف غذا در حال فارغ شدن بودند و به سوی دروازه می

محبوبه مانند سایر خواهر خوانده هایش چنین اوئو کرده گی خود را پوشید: آرایش سرو صورتش را دوباره از نظر گذرانید، با اطمینان دستکولش را گرفت و در سرویسی که کنار دروازه ایستاده بود، بالا شد، موتر پر بود از همه و سرو صدای وجد آمیز و خنده های بلند، محبوبه در یکی از چوکی های بس کنار خواهر خوانده همیشگی اش که قصه های جالب و حیا سوزی میکرد نشست، هر دو خوشحال و سر حال بودند، محبوبه بی محابا از خواهر خوانده اش که آرایش غلیظی کرده بود، پرسید: تو نفهمیدی که نماینده کاندیداتور در باره مقدار پولی که باید برای ما میدهد چه گفت: زن در حالی که اینه را در دست داشت و لبش را تازه میکرد، اظهار بیخبری کرد. زن چاقی و چله پی که در عقب درپور نشسته بود، از جایش نیم خیز شده بلند صدا کرد، او دختر! میفامین قف دست مه میخاره، معلوم میشود که کاندیداتور به هر کدام ما صد صد دالر خواهد داد! همه با شور و هیجان و خنده گفته های زن چاق را استقبال کردند. یکزن دیگر با صدای بلند همه را متوجه ساخته پرسید: آگه راستی برای ما صد صد دالر بدهد، همه ما باید برایش رای بدهیم، هر کس رای ندهد الای شویکش بمرده، همه خندیدند، درپور از زن چاق و قد بلندی که در دهن دروازه ایستاده بود، خواست که موتر حرکت میکند...

زن چاق و قد بلند صدا کرد: زود شوین که موتر حرکت میکند، هر کی از موتر ماند و ابناش حاضری سبایش قیت میشه! باز گله نکه! چند نفر پس و پیش با شتاب به موتر بالا شدند، ساعتی بعد در گوشه شهر

انتخابات و دیدگاه های شهریان

با گذشت هر دقیقه و هر

ساعت و هر روز فاصله مان با روز برگزاری انتخابات نیز کوتاه تر میشود، کاندیدان با راه اندازی کمپاین های تبلیغاتی از وعده و وعید شان سخن میگویند و مردم نیز محتاطانه در جستجوی کاندید مورد نظر شان اند تا رای شان رایگان از دست نرود.

گزارشگر پامیر نظریک تن از شهریان را در رابطه به انتخابات و گزینش رییس جمهور یادداشت کرده است که تقدیم میشود:

پارمحمد که در چوک دهمزنگ منتظر کار نشسته است میگوید: من فکر میکنم که پیدا کردن کار به بیکاران سرخ تمام مشکلات جامعه ما است، هرگاه بیکاری از بین برود، گرسنه گی، فقر، بی خانگی، بی دواپی، بی روزگاری و ده ها معایب و مصایب اجتماعی نیز از میان

شتافتند. کاندیداتور در کنار دروازه با چند نفر دیگر مدعوین را مشایعت میکرد و با آنها در حال خدا حافظی و مصافحه بود، نماینده خانم ها نزدیکش رفت چند تا از خانم ها را با دست بروی نشان داد. کاندیداتور به سوی همه لبخند زد و با دست روی سینه از آمدن آنها ابراز خوشی میکرد، محبوبه به داستان کاندیداتور نگاه میکرد، دستانش همچنان روی سینه پایین و بالا میرفت، کاندیداتور خودش را خم کرد، نماینده پیش و چند تا خانم بدنبال به سوی بیرون میرفت. چشمان همه بس بزرگ را میالید، ولی بس به چشم نمیخورد، سرک خاک الود و آفتاب داغ، دل تنگی را در میان مدعوین دامن میزد، هیچ چیزی اتفاق نیفتاد، محبوبه خودش را به خواهر خوانده اش نزدیک کرد، خواهر خوانده ناراحت میخواست دشنامی حواله کاندیداتور کند، اما چشمش به نماینده افتاد، نماینده که موهایش را با انگشتان و ناخنهای رنگین جابه جا میکرد، از محبوبه خواست که هر کس میتواند با تکسی و یا تونس به سوی خانه برود، پاهای محبوبه کش کش میشد، در حالیکه لبخند از چهره ها گم شده بود، همه از بدست نیابردن دالر ناراحت بودند، یکی از خانم ها با خنده همه را مخاطب ساخته گفت: سیل هم سیل است، سرگردانی هم، اگر دالر نگر فیم سات ما خوتر شد!

محفل ادبی از سوی انجمن شاعران

و نویسنده گان برگزار گردید

بعد از ظهر چهار شنبه ۲۴ سرطان سال روان محفل ادبی معرفی گزینیه های شعری «و در لحظ های ترنم باد ها» اثر حیات الله بخشی و «غاریاس» اثر شیر محمد استوار از سوی بنیاد فرهنگ و جامعه مدنی وانجمن شاعران و نویسنده گان افغانستان در تالار مرکز بنیاد فرهنگ دایر گردید.

محفل با تلاوت آیات کلام الله مجید آغاز یافته سپس تیمور شاه حکیمیار رییس اجراییه بنیاد فرهنگ و جامعه مدنی صحبت نموده، همکاری های آن بنیاد را در عرصه های فرهنگ و ادب و تجلیل و تقدیر از فرهنگیان و قلم بدستان ابراز نموده و تدویر محافل ادبی را گام مثبتی در عرصه روشنگری فرهنگ و رشد استعداد فرهنگیان دانسته و آنرا ارزنده خواند. متعاقباً حیات الله بخشی رییس انجمن شاعران و نویسنده گان صحبت نموده از مسئولین تمامی مراکز علمی و فرهنگی کشور خواست تا در حصه رشد و استعداد جوانان و نسل آینده خدمت نموده و در رشد و شگوفایی فرهنگ و ادب کشور سعی بلیغ به خرج دهند.

موصوف ضمن صحبت هایش از مسوولان وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز تقاضا نموده تا تالار مرکز بین المللی مطبوعات را که مرکز تجمع و اسجام فرهنگیان و ژورنالیستان و مرجع تدویر محافل علمی و فرهنگی بود، دوباره احیا و بازسازی نمود و دروازه آنرا به روی فرهنگیان کشور هر چه زود تر بگشایند.

در بخش دوم محفل گزینیه های شعری با سرایشگران آن ها به معرفی گرفته شده و محفل با خوانش شعر و سوال و جواب اشتراک کننده گان به گرمی استقبال گردید. قابل یادآوری است که، در این محفل ژورنالیستان آژانس اطلاعات باختر آژانس خبری پژواک، آژانس خبری روز، آژانس خبری وقت تعدادی از ژورنالیستان رسانه های آزاد کشور و تعدادی از فرهنگیان و دانشمندان کشور اشتراک نموده بودند.

محفل با بخش موسیقی، توزیع کتاب و استقبال گرم اشتراک کننده گان به پایان رسید.

نبی زاده

چرا صنعت پوست دوزی بازار بی مزه دارد؟



بار خلیفه های آن زمان استفاده کرده اند (ح) و نام محمد (ص) دیده شده است که هم ارزش بلند دارد و هم فروش آن خوب است. س: کلاه دوزی قره قل در چه وضعیت قرار دارد؟ ح: گرچه که این صنعت بسیار قدیمی و جز فرهنگ ما میباشد اما روز به روز بازار آن بی رنگ شده میرود، فروشات ما بسیار ناچیز است از این که پیشه پدري ما است مجبور آ آن را پیش میرم در گذشته ها هم کلاه میساختیم و هم بالا پوش قره قل و هم بازار فروش ما خوب بود و هم تقدیر می شدیم و حالا بی فروش است و بی دارد مثلاً کلمه شریف، نام خداوند تقدیر

یکی از اقلام عمده صادراتی کشور ما که از دیر باز رونق خوبی داشته و در بازارهای جهانی نیز مقامی، پوست قره قل است. علاوه بر اینکه پوست قره قل به خارج کشور صادر می گردد در داخل کشور نیز در ساختن کلاه از آن استفاده میشود. گزارشگر پامیر به خاطر آگاهی بیشتر خواننده گان به صنعت کلاه دوزی و پیشینه آن گفت و شنودی را با عبدالواسع اکبریار یکی از کلاه دوزان سابقه دار کشور که این پیشه را از پدرش به ارث برده و ۵۶ سال میشود که به شغل کلاه دوزی مصروف است انجام داده که تقدیم می گردد: س: لطفاً بگویید که استفاده از پوست قره قل چه وقت بوجود آمده و اولین کسی که کلاه قره قل را به سر کرد کی بود؟

ح: فکر میکنم صنعت قره قل در کشور ما در حدود ۵۰۰ سال قدمت دارد، این که چه کسی اولین بار کلاه پوست را به سر کرد معلومات ندارم، اما همیقندر میدانم که اولین

برداشته میشود. هرگاه ما صاحب کار شویم وطن ما نیز به سرعت آباد میشود. من از کشور همسایه برگشته ام، من شاهد بودم که در ظرف چند سال، آن کشور به زور بازوی افغانها آباد شد و حالا با کشورهای پیشرفته جهان همسری می کند، حالا اگر برای ما فرصت های شغلی آماده شود، و سکتور خصوصی بیشتر تشویق گردند تا در کار های زیر ساختی و زیر بنایی جامعه سرمایه گزاری کنند، هم بیکاری از بین میرود، هم بدامنی و هم بسیار مشکلات دیگر اجتماعی و اقتصادی مردم. من صنف ۱۲ را به پایان آورده ام، اما حالا برای من مزدور کاری پیدا نمیشه، من نمی گویم که در این چند سال کار نشده، اما کار لازم صورت نگرفته است، موسسات خارجی پول های کمی را بدون مشوره دولت مصرف کرده اند و با هم با گرفتن معاش های بلند دالری دوباره به کشورهای شان انتقال داده اند. این که چرا در چند سال اخیر مشکلات اقتصادی مردم به طور لارم کاهش نیافت در این جا هم موسسات کمک کننده مقصر است، هم سکتور خصوصی، موسسات پول ها را بدون در نظر گرفتن اولویت های جامعه ما مصرف کردند و سکتور خصوصی نیز در عرصه زیر ساخت های جامعه کار لازم نکرده اند، امروز نبض اقتصاد جامعه را سکتور خصوصی بدست دارد، با توریست کالاهای خارجی نمیشود، اقتصاد کشور را رنگ و رونق داد.

با اینحال من به کسی رای میدهم که در قدم نخست بتواند بیکاری را مهار کند. آنگاه دیگر کار ها خود آسان میگردد.

فریده عبیدی

د لرغوني کابل نوميالی فرهنگي څيړې ، دوهم ټوک

رازقي نريوال

د لوي او بخښونکي خدايي ناپايه شکر اداکوم، چي ددي توفيق يي زما په برخه کړ ترڅو» د لرغوني کابل نوميالي فرهنگي څيړي» تر عنوان لاندې» دلرغوني کابل فرهنگي څيړي» اثر د دوهم ټوک په ليکلو بريالي کړم .

بنايي وويل شي هغو درنو دوستانو چي د «لرغوني کابل فرهنگي څيړه» اثر کتلي وي نو خامخا به پوهيږي چي په دې اثر کي له تقريظونو او له سريزي سريزه په څلورو څپرکو کي د هغو په اړوند برخو او تعليقاتو کي د لرغوني کابل د پس منظر، په بيلابيلو دورو کي د هغه د تاريخي، ستراتيژيکي او پوځي، سياسي، اداري او د تجارتي موقعيت، د

کابل ښار د گذرونو او کوڅو او دکابل ښار د تاريخي آيينو او د لرغونو آبداتو، د بالاحصارونو او د ديوالونو، دلرغونو بودايي سيمو او آثارو، سپيڅلو اماکو «جوماتونو» د متبرکو امکانو «زيارتونو» د کابل مانيو، حرمسرايونو، د مينارونو، تاريخي څلو، د باغونو، چينو، ويالو، پلونو او په داسي يو لړ نورو موضوعگانو څيړنيز بحث شوي او په دې اړه د يو شمير موخدونو څخه په گټي اخيستي سره لازم معلومات وړاندې شوي دي.

زما دا کتاب دهيواد دعلمي، فرهنگي او سياسي ستر شخصيت ارواښاد محمد

ابراهيم خواخوږي د پنځلسم تلين په مناسبت د خواخوږي د ادبي او کلتوري ټولني د مشر دهغه ارواښاد د علمي او فرهنگي وياړونو وارث گران دوست، ښاغلي غرزي خواخوږي په مخلصانه مالي لگښت په کال ۱۳۸۶ هـ ل او د آگاه خپروني د موسسي د مالک محترم ملکي خزان په زيار چاپ شوي دي په دې اثر کي ديو تقريظ په ترڅ کي چي د محترم پوهنمل غلام نبي فراهي د اطلاعاتو او فرهنگ وزارت د اداري او مالي معين له خوا ليکلي شوي ددي اثر د محتوياتو د تکميل او لابلاني په خاطر پکي يو اصلاحي او ترميمي نظر په

دي ډول وړاندي شوي دي:

څرنگه چې کابل په تير مهال کې د سيمې تر ټولو ستر فرهنگي مرکز وو زيات شمير اديبانو، شاعرانو او تاريخ پوهانو، د کابل د فرهنگي کابليانو پر ژوند د او په عنعناتو، رسم او رواج په زړه پوري مطالب ليکلي وو نو زما هيله داده چې کران استاد رازقي نړيوال صاحب په يوه مناسبه موقع کې دې با اهميته مسئلې ته خپل پام وگرزوي او دا اثر به لا نور غني او بډايه کړي.

تر کومه خايه چې جوته ده د محترم فراهي صاحب پورتي نظر په رښتيا سره ددي اثر په بشپړولو او بډايه کولو کي چې د يو ځټور موخه په توگه به ترې د مطالعي مينه وال او د تحقيق علاقمندان پوره استفاده وکړاي شي يو دوستانه او رغنده نظر وو، نو له هماغه وخته مي په کلکه وپتيله چې دغه شته ډکه کړم او ددي اثر دوهم ټوک د لرغوني کابل نوميالي فرهنگي څيړي تر عنوان لاندې وليکم.

له نېکه مرغه د کابل د شاعرانو او یو شمیر فرهنگیانو د معرفي کولو لپاره مې په دې تړاو دیو شمیر تذکره لیکونکو او د هیواد د ادبیاتو د تاریخ د لیکوالو له اثارو څخه په ګټې اخیستنې سره یو لړ د اړتیاوړ معلومات راټول او لازمه وګڼل شوه

چي به ڪوتاهي توڳهه بي ترتيب او تنظيم ڪرم.

له دې واقعيت څخه هېڅ ډول انکار کيدای نه شي چې د کابل علمي او فرهنگي حوزه د هېواد دنورو علمي او فرهنگي حوزهو په کتار کې نه يوازې د بې سارو لرغونو سيمو او شتمنيو درلودونکې ده، بلکې د فرهنگي اهميت له مخې هم د وتلي مقام څخه برخمنه ده او په دې حوزه کې چې يو مهال يې د کاپيسا، بگرام پنجشير او غوربند له سيمو څخه د ميدان وردگ او لوگر سيمي راښکته او زيات شمير پوهان، شاعران او فرهنگيان زيږيدلي، روزل شوي او پالنه يې موندلې ده.

تلاپاتي گټور اثار يې له ځانونو څخه په ميراث پريښي،
د شعر او ادب ډيوي يې بلي ساتلي او د خپل
نومياليوب لوړو مدارجو ته ورپورته شوي دي، خو
ددي موضوع يادونه هم ضروري گڼل کيږي چي د
هيواد دنورو علمي او فرهنگي حوزو لکه هرات، بلخ،
غزني، بدخشان او داسي نورو حوزو غوندي د کابل
د حوزي د شعر او ادب تاريخ د هغو په پرتله دومره
اوږده سابقه نه لري، مبدئي او تکاملي دوري يې څه
وروسته پيل شوي دي. همدارنگه ددي ټکي يادونه
هم ضروري ده چي په افغانستان کي آن دويدي او
اوسيايي دورو راوروسته د ټولني ديو روښان فکره،
روحاني، لارښوونکي او مدبرقشر په توگه شاعران او
اديبان د ريشيانو په صفت رامنځته شوي دي.

تاریخوالی د پولې او کورنۍ هر غړی زیانمن کوی

الياس

راز راز کم کيچونو سره مخ او غړي يې تل وروسته پاتي او ناروغ وي. زموږ په ننني ټولنه کې دغه ناروغه عمل له پخوا څخه په ميراث راپاتې شوي دا ځکه چې داسې يوه اداره نشته ده چې ددغې ستونزې په له منځه وړلو کې کار وکړي او دزيان په اړه يې دخلکو ذهنونه روښانه کړي او که داسې يوه اداره وي هم خو کړه وړه او فعاليتونه يې د پام وړ ندي. په هره ټولنه کې چې د خلکو اقتصاد کمزوري وي، خلکو ته د کار کولو شرايط نه وي برابر او يا خو نورې ټولنيزې ستونزې د دوي په وړاندې پرتې وي او يا خو د کورني مشران له نسوزده کړو څخه يې برخې پاتې شوي وي، نو هلته کې راز راز تاوتریخوالي موجود وي.

څرنگه چې ښکاري زموږ د ټولنې په ډیرو کورنیو کې دغه ستونزه شته ده، دا ځکه چې په هیواد کې تیرو جنګو خلک له بیلابیلو کړاوونو سره مخ کېږي. کار کول د هر انسان حق دی هغه که تر وې او یا ښځه دا حق لري چې له کور څخه بهر کار وکړي، خو څرنگه چې ښکاري زموږ په هیواد کې شته داسې کورنۍ چې ښځو ته له کور څخه د باندې کارکول شرم بولي او نه غواړي چې ښځې یې له کور څخه بهر کار وکړي په داسې حال کې چې ښځو یې لوړې زده کړې هم کړي چې داهم یو ډول تاوتریخوالي بلل کېږي. په لسو ډول ویلای شو چې زموږ په ټولنه او هره کورنۍ کې د تاوتریخوالي د شتون لامل د کمزوري اقتصاد شتون او ددغې ستونزې د له منځه وړلو په لاره کې د اړوندو ادارو او سازمانونو نه پاملرنه ده. که چېرې د خلکو اقتصاد پیاوړې وي او په ورځنۍ ژوند کې یې ستونزې نه وي او همدا شان اړونده ادارې د تاوتریخوالي د زیان په اړه خلکو ته معلومات ورکړي او هغوی دې ته اړ کېږي ترڅو دخپلې کورنۍ په وړاندې له تاوتریخوالي څخه ډډه وکړي، نو له شک پرته به دغه ستونزه تر ډیره حده پورې لږې او دټولنې او کورنۍ هر غړي به سوکاله او آرامه ژوند ولري.

يوه ٽولنه او يوه ڪورني هغه مهال سوڪاله او آرامه ڪيڏاي شي چي هلته ڪي هيٺ راز ٽاور بخواني موجود نوي چي دڊا شان ٽولني او ڪورني غري تل سالم روغ او د ڏني ٻوٽي او روزني خاوندان گهڻ ڪيري.

خو له بده مرغه چې زمونږ ټوله يوه له هغو څخه شميرل کيږي کوم چې دغه ناوړه عمل تر ډير حده پورې پکې ليدل کيږي. شته داسې کورني چې نن ورځ پکې هر راز تاوتریخوالي لکه د ښځو وهل، ډوبل او په کورونو کې د هغوي ساتل او همدا شان د ماشومانو په وړاندي هم له ناوړه تاوتریخوالي څخه کار اخيستل کيږي چې بيا وروسته د دا شان ټولنې او کورنۍ فضا له



رفاء احمدزی

تایہ باغچہ کی سرہ گلاب رابیل گلونہ باغوانہ

مکوه نازونه باغوانه

کرونا و نه باغوانه ری می ده لاس و نه باغوانه

دومره مـــــــی پریره چي غنچه کرم سره گلونه باغوانه

مکوه نازونه باغوانه

و غ م ی خ ل با غ کره باغوانه، مور می به وصال کره باغوانه

زور و اند ستا بن ته خم خان می سیزمه باغوان

مکود ناز و نه باغوانه

کماله با سله کماله رده باغوانه، ژیر اوسره سبل رده باغوانه

و نه باغمانه

مکونه نازو

بیلان داروی په گلونو باغوانه، ناری فریاد او اوازونه باغوانه

نه باغچه انه

مکوه نازو

آیا میدانید؟

ویدا

صرف ۲۵۰ دانه کیله بعد از غذا:

پادشاه گجرات علاوه به صرف غذا هر روز ۲۵۰ دانه کیله رانوش
جان میکرد.

همچنان یک آمریکایی که ۸۸ سال دارد روزانه ۲۵ دانه تخم مرغ را تناول میکند ولی تا حال در کلسترول خون او افزایش بعمل نیامده است .

داکتر خانواده گی او نظر داده که بدن این مرد ۸۸ ساله با چنین خوراک عادت کرده و روده هایش تنها ۱۸ فیصد کلسترول را جذب میکند. وی می افزاید که در ۱۳ سال تجربه طبانش یگانه انسان را می بیند که دارای قوی ترین کبسه صفا می باشد.

پرخوری بیش از حد:

یک پهلوان ۲۸ ساله جاپانی امریکایی نژاد بنام (کونی شیکی) که ۷۵۴ پوند وزن دارد، برابر وزن خانم خود که ۱۲۱ پوند وزن دارد ناشتای می خورد.

مردم آمریکا وی را بنام ترک یاد می نمایند. موصوف در پهلوانی نوع سومو همیشه برنده است چونکه وی جاپانی نیست، مورد علاقه جاپانی ها است. اما کازوگفتن امتیاز قهرمانی برایش کمتر است.

شخصی که از شکم ماهی زنده برآمد:

درفروری (۱۸۹۱م) ملاحی حمز پارتلی هنگام شکار ماهی (وهیل) به بحر افتاد و ماهی وهیل او را بلعید در همان حال ماهی وهیل در نتیجه ضربات ملاحان دیگر مجروح شد و به زیر آب رفت مگر از اینکه جراحات ماهی بسیار عمیق بود به مرگ ماهی انجامید و ماهی روی آب آمد. ملاحان جگر و معده او را بیرون آوردند و در اینحال مشاهده کردند که در بین معده او چیزی حرکت میکند داکتر موجود در کشتی با مهارت خاص معده ماهی را درید و ازین آن حمیز پارتلی ملاح بیرون شد که در حال بیهوشی بسر میبرد. این مرد بعد از دو هفته دو باره صحت یاب شد.

برخی هوتل‌های شهر، پول بیشتر می‌ستانند اما نظم کمتر دارند آیا نمیشود جلو مصارف بیجا در هوتل‌ها گرفته شود؟

الطاف

در شهریکه مازیست داریم کار هوتلداری بسیار چوک است و برخی ز اینها به نام های مختلف از محفلداران پول می‌ستانند، اما خدمات هوتلداری شان در حد اعظمی ضعیف است. اگر مسئله سیالی و شریکی وهم چشمی نباشد، بهتر است بجای راه اندازی محافل در لوکس ترین هوتل‌های شهر در هوتل‌های که چندان نام و نشانی ندارد واز هر حیث مناسبتر است صورت گیرد. طور مثال یک هتل لوکس از فی خوراک غذا برای یک نفر مهمان از ۴۰۰-۹۰۰ افغانی می‌ستاند، اما هوتل‌های عادی در دوصد افغانی مهمان میدیرد. بینیم که تفاوت تا چی حدی است، هوتل‌های لوکس غذای شب را تا ساعت ۱۰-۱۱ شب توزیع ویا به اصطلاح خودشان سرویس مینمایند و هوتل‌های عادی هشت شب، هوتل‌های لوکس افلام غیر ضروری را در میوی شان گنجائیده وار اینطریق بر مفاد شان افروود مینمایند، هوتل‌های عادی و مناسب حال مردم از ترتیب میوه‌های غیر ضروری که به ضرر محفلداران ویا مهمانداران میاشد احتاب ورزیده واز مهمانان پذیرایی درست مینمایند. چند شب قبل در یکی از هوتل‌های شهر که همواره و هر شب اعلان آن از طریق تلویزیون های خصوصی بدست نشر سپرده می‌شود در محفل خوشی یکی از دوستان شرکت ورزیدیم، زمانیکه عقب میزها جا گرفتیم در کنار اینکه جگک های آب سرد موجود بود، بوتل‌های آب معدنی را نیز بعداز دقایقی بالای میزها توزیع نمودند، به تعقیب آن بوتل‌های نوشابه رسید و ساعات بعد سوپ که اصلاً هیچ به سوپ نمی‌ماند توزیع کرده که آدم

های چالاک توانستند از آن استفاده نمایند و مانند من افراد شرموک از نوش جان کردن آن محروم ماندند، به هر صورت ساعت ها گذشت، یک ساعت دوساعت، از هر طرف صدا بلند می‌شد که نیمه های شب شد چرا از نان خبری نیست سر انحام ده ونیم شب توزیع نان را آغاز نمودند ومن که با تعدادی از دوستان در گوشه یی آرام گرفته بودیم به ساعت بارده شب به دیدن غوری های نان چشم های ما روشن شد با عجله غذا را صرف نمودیم و کوشش کردیم تا عاجلتر به سوی خانه حرکت نماییم، هنگام خروج از هتل تعدادی زیادی را متظر تکسی های شهری دیدیم که چند نفر آن از گرانی کرایه نکسی شکوه سر داده بودند، تکسی ران بار، بار اصرار می کرد که کسانیکه اینقدر شوقی اند و تانیمه های شب در محافل تماشای رقص ویا یکوبی مینانند مجبور هستند که پول کرایه را بیشتر پردازند، حال اینکه تازه نان صرف نموده بودند.

خوب از یکطرف مخارج بی جا و غیر ضروری واز طرف دیگر تکلیف مهمانان که بجای خوشی هر یک مایوسانه بخانه های شان برمی گردند چی چیزی را تعبیر می‌کنید؟

با مشاهده این حالت با خود گفتم نمیشود مسوولین برای توزیع ویا سرویس غذا وقت معین را تعین نمایند و میتو از یک ودو نوع تجاوز نمایند تا از یکطرف هزینه های بشمار صرف این کار نشده باشد واز جایی وطنداران ما مکلف به پذیرش این رسوم پرمصرف و خرافاتی نبوده باشند، به امید آنکه ارگانهای مسوول در زمینه داخل اقدام شده و جدیتر عمل نمایند.

رسم و رواج ها با مصارف بیشتر کمر شهریان را خمیده تر ساخته است

سمیر

از سالیان قدیم افغانها رسم و رواج های بخصوص از خود را داشته که بعد از درگیری ها، مهاجرت ها و برگشت دوباره مهاجرین به کشور یک سلسله رسوم و عیادت دیگر با رسم و رواج های سابقه پیوند داده که برخی از رسوم از یکطرف با فرهنگ افغانی سازگار بوده از سوی باعث برهم زدن اقتصاد خانواده ها شده است. حال بیشترین هموطنان ما در کنار برگذاری محافل عروسی و شیرینی خوری محافل ختہ سوری، شب شش، تخت جمعی و حتی ختم های قرآن عظیم الشان را در لوکس ترین هوتل‌ها با مصارف بسیار گزاف راه اندازی مینمایند که بدون شک این کار باعث آن میشود که هموطنان بی بضاعت ما هم به هر شکلی که باشد به اصطلاح رسم هم چشمی را بجا آورند. بیشترین پسران و دختران شهر و دیار ما نیست چنین مشکلات حتی قادر به ازدواج نشده و برای بدست آوردن پول مخارج عروسی مجبور اند به هر شکلی

که باشد راه دستیابی به مصارف را جستجو ویا اینکه بعد از عروسی تا مدت طولانی مقروض دوستان باشند.

از اینرو ضرور است تا در مقابل اینگونه فساد دست به مبارزه زده و باید هر فامیل از خود آغار نماید، وکلای گذر و ملامامان درین راستا از همه مسوولیت بیشتر دارند تا با موکلین و مقتدیان شان موضوع را در میان گذاشته و به هر شکلی که باشد مانع رسم و رواج های غیر ضروری و کمر شکن که اقتصاد فامیل ها را برهم و درهم میسازد جلو گیری نموده و دین وطنی شان را در مقابل وطن و اولاد وطن ادا نمایند.

چرا پای نظم می‌لنگد!

پرونده

جریان ترافیک برهم بخورد. ولی بارهم بسیاری از راننده ها هیچگونه اعتنایی به اشاره هانمی نماید. با اینگونه بی تفاوتی ها وجود سری ها آیا میشود به نظم مطمئن دست یافت؟

درحالی که مردم تاملین کننده نظم و شکنده نظم در شهر اند، هر گاه نظم و آداب شهری را رعایت کنیم، این همه دشواریهای که با آن مواجه هستیم از میان برداشته میشود.



بی نظمی هم در دجائگاهی است که هنوز سیه ملتبه دارد گرچه تلاشهایی از سوی نهاد های عرضه کننده خدمات شهری انجام می‌پذیرد، اما هنوز هم به اصطلاح پای نظم می‌لنگد.

ایکجه چرا نهود شاید و باید در شهر به میان نمی‌آید و راه بیرون رفت از آن درجه است، حیر نگار پامیر اینبار گشت و گزارداشته به نقاط مردمجم شهر و خواسته است از زبان شهریان دلیل مشکل را بشنود و راه بیرون رفت آرایانند.

احمد شعیب محصل پوهنتون کابل میگوید: رنده گئی شهری بر سبای فرهنگ شهری ایستاده است، هر شهروند در محیطی که زنده گی میکند، مکلفیت ها، و حایب و مسوولیت های دارد، که با گزیر است باید آن را در نظر داشته و عملی نماید. اما با تأسف که جنگهای سه دهه گذشته بسیاری از ارزش های معنوی ما را صدمه زد و یا هم از ما گرفت و حال اکثرآ در یک نوع بلاتکلیفی بسر میسریم و در بسیاری موارد مراجع و نهاد های دولتی را مسوول پیشرد مسائل شهری میدایم و خود در غندی خیر چار رانو زده ایم. طور مثال یکی از ارزشهای گرانبهایی که در بین افغانها جایگاه قایم داشت و هر کس خود را به ادای آن مکلف میدانست، راه اندازی کارهای همگانی، تساند و همکاری با یکدیگر، سهم گیری در رفع مشکلات محلی و محیطی و کمک با یکدیگر بود. بسیاری کارها و مشکلات محلی و محیطی توسط مردم رفع میشد و یساهم مردم خود در تسامین نظم شهری و اجتماعی سهم میگرفتند. اما حالا چنین است؟ کی میتواند پاسخ دهد؟

به گونه مثال، سه و یا چار سال پیش در همین دور، ویش پبارک زرنگار در پیاده رو ها،

معرفی کتاب:

صحبت های مغاره نشینان

صحبت های مغاره نشینان مجموعه ای از نوشته های طبری و انتقادی، نویسنده جوان مصطفی عمرزی است که در این تازه گیها از سوی انجمن شاعران و نویسندگان افغانستان اقبال چاپ یافته است.

این مجموعه نوشته های انتقادی، با مقدمه از خود نویسنده آغاز یافته و دارای سی و دو مضمون بوده و حاوی هفتاد صفحه میباشد. ادامه صفحه ۷



اطلاعيه های شاروالی کابل

کلب بليارد دهليز سينما پارک واقع شهر نوبه اجاره داده میشود، اشخاصيکه خواهش به اجاره گرفتن انرا طور قرار داد داشته باشند، درخواست های خویشرا از نشر اعلان الی ختم ده روز برباست خدمات کلتوري شاروالی کابل سپرده، شرطنامه را حاصل، افرهای خویشرا ارایه و خودشان بروز افرگشایی حاضر گردند تضمین نقداً اخذ میگردد.

xxx

به اطلاع آنعده از افراد و اشخاصيکه خانه های شان درمسیر سرک شصت متره قلعه زمانخان قرار گرفته رسانیده میشود که الی مدت ده یوم منازل شان را تخلیه نمایند، در غیر آن منازل شان تخریب گردیده، آنگاه حق شکایت را ندارند.

xxx

به اطلاع تمام شهروندان محترم که در پروژه شمال میدان هوایی به هر شکل که نمره زمین رهایی اخذ نموده رسانیده میشود تا لطفاً با اسناد مکمل دست داشته شان برباست ملکیت های شاروالی کابل تشریف آورده جهت حل و فصل امورات مربوط به زمین شان تفاهم بعمل آرند تا زمینه برای تحقق پروژه آماده گردد.

xxx

شاروالی کابل به تعقیب اطلاعيه های قبلی خویش یکبار دیگر به اطلاع عموم مالکین جایداد های ساحه نوآباد پلچرخ شامل ساحه فارم مرغ داری و اطراف آن میرساند که شاروالی کابل پلان تفصیلی ساحه متذکره را ترتیب نموده و آماده تطبیق در ساحه میباشد چنانچه یکتعداد نمرات در ساحه خط اندازی نیز گردیده است، بناً به اطلاع آنعده مالکین محترم که در ساحه متذکره جایداد دارند رسانیده میشود تا با اسناد بنیادی و شرعی شان غرض طی مراحل پروسه استملاک برباست استملاک مراجعه نمایند در غیر آن پلان در ساحه تطبیق میگردد، آنگاه حق شکایت را ندارند.

صحبت های ...

این مجموعه نخستین اثر نویسنده میباشد که آثار دیگری نیز در خصوص طنز ها و انتقادها آماده چاپ دارد.

مصطفی عمرزی فرزند مرحوم دگروال داکتر فمرالدین اکسیری صابی، در سال ۱۳۵۹ هـ ش در شهر زیبای کابل دیده به جهان گشوده است. تعلیمات خود را از صنف اول تا صنف دوازدهم در لیسه عالی استقلال دنبال نموده ودر سال ۱۳۸۲ از دیپارتمنت رادیو تلویزیون پوهنځي ژورنالیزم پوهنتون کابل به سويه لیسانس فارغ گردیده است.

عمرزی در سال ۱۳۸۳ عضویت شورای عالی مرکزی انجمن شاعران ونویسنده گان ودر سال ۱۳۸۴ عضویت شورای عالی مرکزی اتحادیه ملی ژورنالیستان وخبرنگاران را کسب نموده است.

در سال ۱۳۸۶ تقدیرنامه را از سوی مجمع صلح افغانستان به پاس تلاش وشایسته گی در فعالیت های خبرنگاری به دست آورد. موصوف عملاً در بخش های خبرنگاری در تلویزیون های(یک) و تلویزیون نورین فعالیت نموده است وفعلأً مدیر مسوول هفته نامه قلم ارگان نشراتی انجمن شاعران ونویسنده گان افغانستان میباشد.

کتاب صحبت های مغاره نشینان گام موفقی در عرصه طنز نویسی وی شمرده والگوی برای علاقه مندان وذوق مندان طنز وطنز نگاری دانسته میشود.

برای موصوف توفیق بیشتر خواسته، قلم او را در راستای روشنگری جامعه از طریق طنزهایش رسا وپرثمر خواهانیم.

نبی الله نبی زاده

لوحة های جاده های که نامگذاری گردیده است ...

آقای صاحبی شاروال کابل گفت: در آینده نزدیک لوحة های جاده ها ومناطق نامگذاری شده تهیه و نصب میگردد. گفتنیست مناطق که جدیداً نامگذاری شده و لوحة های آن اماده میشود عبارت است از پروژه های وزیر آباد پروان سوم، شهر نو و شهرارا که قبلاً از سوی کمیسیون به تصویب رسیده است.

جوړونکي وړانديز تر بي ځايه نیوکو ...

ونډه واخلي، تر څو له يوې خوا له ښاروالي سره مرسته او له بلې خوا به د خپلو مېټو او ګټورو تېلېفونو سره د ښاري ستونزو په له منځه وړلوکي خپل مسووليت پرځاي کړي. له دې پرته به په واقعيتونو او تر سره شويو کارونو سترګي پټول دداشان رسنيو اعتبار زيانمن کړي. نو راځي چې مونږ ټول د مسووليت په درک کولو سره دښاري ستونزو په له منځه وړلوکي د ښاروالي تر څنګ و درېږو او د خپل ښار په آبادي او سمسورتيا کي په صداقت او ايمانداري سره ونډه واخلو.

دلوز

دښاري فرهنگ په بيا راژوندي ...

نو، ددغو ستونزو خواب دادي، چي په لمړي سرکي که چيري دهري کورني يوغړي هم په ښارکي ښاري فرهنگ په پام کي ونيسي او له هغه څه ډډه وکړي کوم چي دښار دککړتيا، ناوليتا او په ښارکي د ګډوډيو او بي نظميو لامل ګرځي. نو کيداي شي چي تر يوه حده پوري ستونزي را کمي شي. دوهم داچي نن د ټول هيواد په کچه دشلو په شاو خواکي تلویزيوني چينلونه او په سلګوني چاپي او اوريدونکي رسني په فعاليت لګيادي، که چيري دغه رسني په اوني کي يو مطلوب د ښاري فرهنگ دکټو په هکله خپلو هيواد والو په تيره بيا کابل ښارنو ته خپور کړي، نو دا کار هم کيداي شي چي دښاري فرهنگ په بيا راژوندي کولوکي مثبتې اغيزي ولري. خو څرنگه چي ليدل کيږي له دغو رسنيو څخه د ګوتو په شمار بي دښاري فرهنگ او دښار دپاکوالي په هکله کله نا کله څه نشرته سپاري، خو پاتي نور بي ددي پر ځاي چي د ښاري فرهنگ د بد ايښي او له ښار څخه دستونزو د له منځه وړلو د لارو چارو د لټون په هکله خپلو هيوادوالوته يوڅه وړاندي کړي تر څو دهغوښاريانو کوم چي ښاري فرهنگ ته پاملرنه نکوي او يا خو په دې نه پوهيږي چي ښاري فرهنگ يعني څه؟ ذهن بي روښانه او دښاري فرهنگ له ښيګڼو او ګټو څخه هغوي خبر کړي. يا خو ښاروالي تر نيوکولاندي ښي او يا خو پر دې فرهنگ چي له هيڅ پلوه ددي هيواد له فرهنگ سره اړخ نلګوي په تبليغ کولو لګيا دي. نو ښه به داوي تر څو دا شان رسني دښاري فرهنگ بلاديښي په موخه خلکو ته دا څرګند کړي چي ښاري فرهنگ څه ګټه لري او څه ته وايي، تر څو مو ښار له را ولاړوستونزو څخه خلاصون ومومي.

مال گدام ها عنقریب از ...

۴- مدیریت تثبیت جرایم:

جریمه ویا مسدود نمودن اصفاف متخلف به اساس راپورهای مدیریت کترولران وغیره شکایات که مواصلت میورزد.

۵- مدیریت تحریرات:

رسیده گی به امورات اداری، تهیه گزارشات، تدویر جلسات وغیره مربوط به مقام ریاست تنظیم مارکیتها. س- بعداز فرمان شورای محترم وزیران که بخاطر کاهش آلوده گی هوا تدویر گردیده بود شاروالی کابل بخصوص ریاست تنظیم مارکیتها کارهایی را انجام داده است؟ ج- بخاطر کاهش آلوده گی هوا بناسی از فرمان شورای محترم وزیران به ریاست تنظیم مارکیتها بعداز جلسه که تحت ریاست جناب شاروال صاحب کابل در مقر شاروالی کابل تدویر گردیده بود با تمام خبازی ها وحمام های شهر کابل چندین بار جلسات وتماس های نزدیک برقرار گردیده واز نزد هر کدام شان استحضاری اخذ گردیده است که از سوختاندن مواد سوختی دودی استفاده نکنند وبه تعداد ۷۳۰ باب خبازی فعلاً از مواد سوختی گاز استفاده می کنند وهمچنان به تعداد ۲۵ باب حمام در عوض استفاده از چوب از ذغال استفاده می کنند وبخاطر جلو گیری از داش های خشت پزی نیز به نواحی مربوط رسماً موضوع کبا اخبار گردیده است.

س- بعداز اینکه بازار آزاد از طرف دولت اعلان گردید مسوولیت ریاست تنظیم مارکیتها در قبال کترول مواد ارتزاقی، وزن نان وقیمت گوشت و موضوعات دیگر مربوط به ریاست شما چه بوده است؟ ج- قرار مصوبه شماره ۳ مورخ ۱۳۸۵/۳/۱ شورای محترم وزیران توزیع نرخنامه از شاروالی کابل گرفته شد ودر مصوبه متذکره آمده است که شاروالی کابل وظیفه دارد تا منجیت مالک شهر با ارگانهای ذبیربط از کیفیت مواد خوراکی واستهلاکی کترول نماید.

به همین منظور نام ریاست کترول قیم به نام ریاست تنظیم مارکیتها تعدیل گردید که بعداً به اساس شکایات هموطنان در حالیکه کترول ازمواد ارتزاقی بعد از مصوبه شورای محترم وزیران از صلاحیت این ریاست نبوده بار ها از طریق رسانه های جمعی از قیمت مواد در شهر انعکاس داده شده که به همین منظور با همکاری با اتحادیه ملی پیشه وران صنف خبازان، قصابان و روغن فروشان جلسه بی تحت ریاست شاروال صاحب کابل تدویر گردید که بعد از جروبحت های زیاد نرخنامه جدید تعیین و برای نواحی توزیع گردید وبخاطر تطبیق نرخنامه ها نیز کترولران این اداره موظف اند تا از آن طور جدی مراقبت نمایند وگزارش شانرا به این اداره ارایه بدارند.

س- قسمیکه از طریق سرویس های خبری به سمع همشهریان رسانیده شد که شاروالی کابل در نظر دارد تا مال گدام هایکه در ناحیه اول فعالیت دارند در چهار دروازه دخولی شهر کابل به همکاری مستقیم ریاست تنظیم مارکیتها انتقال داده شود پس اگر بگوئید که تا حال چه اقداماتی در مورد صورت گرفته است؟

ج- در مورد انتقال مال گدام ها از داخل شهر به مارکیت های بزرگ که در چهار دروازه شهر کابل اعمار گردیده است، اطلاعیه های بی هم به نشر رسیده است تا تجار، اموال شان را در مارکیت های چهار دروازه شهر تخلیه نمایند. اخیراً فیصله جلسه کمیسیون هماهنگی نیز مواصلت ورزیده است که از داخل شدن موترهای دارای توناز بلند به مال گدام های مرکزی شهر جلو گیری بعمل آید واموال تجار به مارکیت های متذکره شهر تخلیه گردد وهمچنان بخاطر تامین امنیت مال گدام ها به کمییت ۶۰ نفر افسر وسرباز با وزارت محترم امور داخله عقد پروتوکول گردیده است که در همین نزدیکی ها این پروسه عملی خواهد شد.

PAMIR

Kabul City Newspaper Established 1951

تحت نظر هیت تحریر

پامیر از مقالات و آثار ارسالی شما استقبال میکند.

پامیر در رد یا قبول، ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.

پامیر مسوولیت مقالات را به عهده نویسندگان آن میگذارد.

آدرس: مرکز شاروالی کابل

اشتراک سالانه مبلغ (۴۰۰) افغانی، برای متعلمین و محصلین نصف قیمت.

چاپ: مطبعه سپین زر میلاد

رئیس و مدیر مسوول:

محمد اسحق «صمدی»

موبایل: ۰۷۷۱۵۳۵۹۰ / ۰۷۰۰۲۲۲۳۱۲

دبیر: ۲۱۰۱۳۵۸

معاون و سکرتر مسوول:

سید مقصود «هوفیانی»

موبایل: ۰۷۹۹۲۱۶۳۵۹

دبیر: ۰۷۵۲۰۰۳۹۱۲

جوړونکي وړانديز تر ټرې ځايه نيوکو غوره وي

وي . همدا اوس که و گورو نو په ټارکي ډيري ځايونه دگړخندو پلورونکو له ولکسي څخه پاکي شوي او يا خويي د پاکولو پلانونه جوړ شوي دا مو چي روغي او پر ځاي لوبکي دتولي د اصلاح لپاره گټوري پابلي لري او کيداي شي چي يوه ټوله او يا يو شخص د اصلاح لوري ته بوخي ، خو دا چي ځيني رستي او يا ځيني ټارکيان د ځينو شخصي اغراضو له کبله دغه خدمتي اداره په داسي حال کي چي په ټارکي د نظم، پاکوالي او سمسورتيا په موخه خپلو نه سترې کيدونکو هلوځلو ته يي گړندي توب ورکړي ، تر خپلو لوبکو لاندې نيسي چي په حقيقت کي دا په واقعيتونو سترگي پټول دي . نو به دا وي چي ټارکيان د خپلو بي ځايه نيوکو پرځاي په خپلو جوړونکو او گورو وړانديزونو سره د ټارکي سونزو په لري کولو کي له ټاروالي سره مرسته و کړي او چل مسووليت پرځاي کړي، همدارنگه رسيو په تيره يا هغه شمير تلويزيونونه چي د کابل ټاروالي له خوا په تر سره شويو کارونو او دهغي کاري فعاليتونو باندې يي سترگي پټي کړي، پکارده تر څو دټارواو د دهونو په روسانه کولو او دټارکي فرهنگ په تبليغ او رواحول کي پاتې ۷ مخ

ډيري و ځيونه ليدل کېږي چي ځيني خصوصي رستي او يو شمير ټارکيان پرته له دي چي په واقعيتونو ځان پوه کړي او ديوه شخص يا پوي اداري له خوا تر سره شوي کارونه له ليريدي و گوري او همدارنگه د اړوندي اداري ټول امکانات و څيري ، نېغ په نېغه يو شخص پايوه اداره تر خپلو بي ځايه او غېرسالونکو لاندې نيسي او وايي چي گوتکي فلاني شخص يا فلاني اداره د خپلو کارونو په ترسره کولو کي پاتې راغلي، حال داچي واقعيت به بل ډول وي . کابل ټاروالي يوه له هغو دولتي ادارو څخه ده چي دنده او مسووليت يي ټار او ټارکيانو ته خدمت کول او داسيا وو رامنځته کول دي چي تر اوسه په دي توانيدني تر څو په خپلو لرو امکاناتو سره د پام وړ کارونه تر سره کړي ، که نن ورځ دټارکي برخه نه ځير شو نوو به گورو چي د ټاروالي کارکوونکي هري خواته يا خود سرکونو ، و بالو او نور سيمو په پاکولو لگياوي او يا خو دټارکي دسرکونو په جوړولو او پراخولو بوخت

نگرانی وناامیدی مارا به کجا میرد؟

آيا ميدانيم که خشم و نگرانی گاهی در ذهن و قلب ما خانه می کند و زندگی ما را با چه خطرانی مواجه میسازد؟ آيا بهتر نيست به جای اينهمه واکنش های منفی و انفعالی ، قدرت عمل را در دست بگيريم و هر واکنش خود را به يک عمل مثبت و موثر توجیه کنیم؟ آيا بهترين راه استفاده از ناامیدی اينست که تسليم شويم و ميدان را واگذار نماييم ، بلکه بهترين نحوه استفاده و برخورد با آن، همه آنها را فراموش کنیم و چيز واقعی و پيش پا افتاده تلقی کنیم؟ بيايد تصميم بگيريم که اريس به بعد چيز های منفی زندگی را که جلوی مارا می گیرند و مارا از حرکت به پيش متوقف میسازند از پيش رو برداريم بيايد تمام حوادث و اتفاقات زندگی خود را به يک واکنش مثبت ترجمه کنیم و با اين کار فرهنگ و لغت جذبهی برای خود بسازيم ، زیرا هيچ ارزشی و امتیازی در ناامیدی وجود ندارد و هرچکس دلش برای يک انسان نااميد نمی سوزد . پیروزی و توانایی ما در این است که ما اگر چيزی را از دست داديم ، برای بدست آوردن چيز دیگری تلاش کنیم نه اینکه دست رير الاشه بشنيم .

حق شهروندی را ادا کنیم!

بیايد با مسووليت عمل کنیم!

شهرت

بالمقابل در جامعه ما نهاد هایی هستند که در برابر مردم وظايف و مسووليتهاي دارند ، آنها اين وظايف را به تنهایی انجام داده نمیتواند ، تنها به همیاری و همکاری ما میتوان وظايف خود را به خوبی ايفا کند . اين نهاد ها به کمک ما نیاز ندارند اما ما به علاوه اینکه به کمک آنها نمی شاييم بلکه برای آنها کار اضافی نیز به میان میاوريم و با موانعی در کار آنها ايجاد می کنیم ، در واقع برخلاف مزایای حقوق شهروندی ما مرتکب تخطی و تخلف شده ايم ، ما بايد در برابر کم کاری و مانع تراشی و مشکل آفرینی پاسخگو باشيم .

بناستف بعد از جنگهای سی ساله ، نوعی عظالت در مردم ايجاد شده و همه منتظر نهاد های دیگر و موسسات خارجی هستند که حتی لقمه نان را هم در دهان شان کند .

توقعات مردم ما طی سالهای جنگ که مردم نیازمند کمک های بروی شدند و حملات راکی و مسایل از آن قبل و بيجا شده و پناهندگان و ورنه شدن و دادن همه هستی و دارایی ، اين پندار را در همه به وجود آورد که محتاج کمک هستیم و دیگران بايد دست ما افتاده گان را بگیرد در حالیکه ما هم بايد حالا حرکتی کنیم و دسني تکان دهيم تا وظايفی را در برابر بدست آوردن حق شهروندی برای ما قيد کرده اند ، به فرجام رساييم

مايک شهر وند هستیم ، در جایی زنده گي می کنیم که به خود ما تعلق دارد ، از آب و هوای آن تنفس می کنیم ، از همه پيداوار آن مستفيد می گرديم ، در آنجا کار می کنیم که شب و روز ما سیری می شود از همه حقوق آن بهره مند هستیم . خود را مستحق تمام دارو ندار آن ميدانيم ، میخواستيم هرگونه امتیازی که سراغ شود ، آنرا بدست آوريم و از آن سود و ثمری راصاحب شويم .

اينها همه خواستهای طبیعی ما هستند ، مگر آيا ما در مقابل اين خواست آمده ، بهایی و مسردی و پاداشی و زحمتی را برای پرداختن هم داريم ؟ آيا خود را مکلف می بينيم که دیگران از ما چه میخواست ؟ چه کارهایی را انجام بدهيم ، چه وظايف و مکلفيت هايی برای خود در نظر بگيريم ، در برابر اينهمه گرفتن ها چه چيزی را واپس تحويل میدهيم ؟ آيا ما حق شهروندی خود را در برابر همسايه خود ، کوچه خود ، سرکی را که عبور می کنیم ، درختی که هوايش را تنفس می نماييم و آبی را که می نوشيم ادا کرده ايم ، آيا آن کوچه را کيف نمی سازيم ، شاخه آن درخت را نمی شکايم ، آن آب را که نوشيده ايم و بازي می نوشيم اخت و گل آلود نمی سازيم ، همه اينها وظايفی است که ما به عنوان شهروند و يک همشهری در اينی آن مسووليت داريم .

گفتند:

گفتم:

گفتند: عمله تطيف شاروالی باز اذرو و دیوار دریای کابل به بستر دریایختند ، تا دریا را جاروب بکشند و کثافات ، زباله ها و مواد اضافی را بیرون کنند و به محل دفن کثافات در بیرون شهر انتقال دهند . معلوم نیست که چه وقت دریای کابل از لوث کثافات و ناپاکی ها در امان خواهد ماند!

گفتم: در شهر ما هم فرهنگ شهر نشینی ما در بی هوشی به سر میرد و هم مجازات تطقی وجود ندارد . با اینحال آيا میتوان شاهد پاک بودن بستر دریای کابل بود ؟ که نه !



Advertising

KaPUL Advertising provides Digital and Offset printing services for corporate and private clients, aiming to produce all types of publication at competitive price on timely manner

Outdoor services:

- Billboard
- Branding of building
- Pole Signs
- Mail stone boards
- Banners

Our Printing Solutions Include:

- Digital printing
- Flex printing
- Vinyl printing
- One way vision
- Sticker
- Backlit
- Frontlite
- Photo paper
- Etc
- Offset
- Brochure
- Poster
- Stickers
- Business cards
- Calendar
- Backlite
- Flyers
- Etc



Mobile # +93 (0) 707 155 159
Email: sales@kapulgroup.com
www.kapulgroup.com



ایمیل	تلفون	روزهای پرواز	سکتور ها
urostfg@flyariana.com	+86 991 620 2498	چهار شنبه	کابل ارومیه
arianaturkey@aryaturizm.com	+90 533 771 9277	دوشنبه - جمعه	کابل استانبول
arianaturkey@aryaturizm.com	+90 533 771 9277	جمعه	کابل انقره
Arianastation_tehran@yahoo.com	+98 912 371 5953	جمعه	کابل تهران
Jedxtfg@gmail.com	+965 26 751 541-2	یکشنبه - پنجشنبه	کابل جده
delhi@flyariana.com	+91 981 073 3394	یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه	کابل دهلی
flyarianadubai@elsatravels.com	+971-508 410 864	همه روزه	کابل دبی
Pmohammeds@elaf-riyadh.com	+966 561 262 729	سه شنبه	کابل ریاض
azita.baseem@flyariana.com	+49 694 544 993 91	دوشنبه	کابل فرانکفورت
zaminnaqvi@hotmail.com	+96 565 234 10	شنبه	کابل کویت
arianamoscow@mail.ru	+74 957 726 383	دوشنبه	کابل مسکو
Najib7862002@yahoo.com	+99 4502060249	دوشنبه	کابل پاکو
Arianestation_mashad@yahoo.com	+98 511 852 7709	یکشنبه	کابل مشهد
ariana8dury@yahoo.com	+99 293 500 5950	شنبه	کابل توشنبه
isb.stn_flyariana@yahoo.com	+92 333 5727 692	یکشنبه	کابل اسلام آباد

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library